

نقش تأمین مالی خرد در توسعه روستایی در افغانستان

علمداد حیدری*

چکیده

در دو دهه اخیر تأمین مالی خرد به عنوان راهکار مناسب جهت مقابله با فقر روستایی مطرح و باعث رشد چشمگیری بعضی کشورها شده در حدی که موجب تشویق کشورهای در حال توسعه، توسط بانک جهانی شده. از آنجایی که افغانستان، توسعه نیافته و اقتصاد آن روستایی است، مسئله اصلی این است که تأمین مالی خرد اسلامی چه تأثیری در توسعه روستایی افغانستان دارد؟ به نظر می‌رسد کشورهای توسعه نیافته و در حال توسعه، تحت تسلط اقتصاد روستایی و محصولات کشاورزی قرار دارد به گونه‌ای که تأمین سرمایه مورد نیاز کشاورزان و آموزش مهارت‌های شغلی سبب افزایش بازدهی در بخش کشاورزی گردیده و افزایش بازدهی در آن بخش، تقاضای روزافزون محصولات غذایی برای جمعیت در حالی افزایش را تأمین می‌کند و خودکفایی در محصولات غذایی صرفه‌جویی ارزی و افزایش کالاهای سرمایه‌ای را در پی دارد. علاوه بر این افزایش بازدهی در این بخش، افزایش درآمد روستائیان، تقاضا برای کالاهای صنعتی و توسعه بخش صنعت را به دنبال دارد. با توسعه بخش‌های کشاورزی و صنعت، سایر بخش‌ها نیز توسعه خواهد یافت. از آنجایی که در روستاهای افغانستان سطح تحصیلات، تخصص و مهارت شغلی پایین است تأمین مالی خرد در بخش‌های مربوطه در صورتی می‌تواند راهگشا باشد که با آموزش مهارت‌های شغلی و شیوه‌های نوین کشاورزی و دامداری همراه باشد.

کلیدواژه: تأمین مالی خرد، توسعه روستایی، اقتصاد افغانستان، تأمین مالی خرد اسلامی.

* دانشجوی دکتری علوم اقتصادی جامعه المصطفی العالمیه

مقدمه:

بانک‌های تجاری بیشتر به تأمین مالی پروژه‌های بزرگ و وام‌دهی در سطح کلان و مبالغ زیاد مبادرت می‌ورزد؛ لذا در جوامع توسعه‌نیافته و در حال توسعه با درآمد سرانه‌ای پایین اکثریت مردم که با فقر و مشکلات مالی دست و پنجه نرم می‌کنند به نهادهای پولی و مالی دست‌رسی ندارند. چون وام‌های بانکی در مبالغ کلان اعطا می‌گردد و اعطای مبالغ خرد برای تعداد زیادی متقاضی برای بانک‌ها به‌صرفه نیست از طرف دیگر مشکل وثیقه نیز وجود دارد که تهیه آن برای افراد کم‌درآمد و فقیر میسر نیست. تأمین مالی خرد سازوکاری است که برای پاسخ‌گویی به نیازهای مالی افراد کم‌درآمد و فقیر طراحی گردیده است. بر این اساس در قالب این سازوکار وام‌های در مبالغ کم برای افراد فقیر و کم‌درآمد با سررسید کوتاه‌مدت و بدون وثیقه اعطا گردیده ضمانت گروهی جایگزین وثیقه فیزیکی می‌گردد. تأمین مالی خرد با نام محمد یونس و گرامین بانک گره‌خورده است که در کشور بنگلادش در سال ۱۹۸۳ تأسیس شد ولی منشأ پیدایش آن به سال ۱۹۷۶ بازمی‌گردد که به‌عنوان یک پروژه آزمایشی - عمرانی در میان زنان روستای، جبراً در جنوب شرقی بنگلادش اعتبارات مالی را گسترش داد (مصطفی مهاجرانی، ۱۳۸۲، ص ۳۶).

بعد از تأسیس بانک گرامین در بنگلادش و بانک راکیات در اندونزی (۱۹۷۹) و بانک ملی توسعه در مصر (۱۹۸۰) و بانک ملی توسعه روستایی و کشاورزی در هند (۱۹۸۲) مؤسسات تأمین مالی خرد در بقیه جهان مثل آمریکای لاتین، آفریقا و خاورمیانه به فعالیت آغاز کردند (محمد توسلی غرجستانی، ۱۳۹۳، ص ۵۲). در کشور افغانستان نهادی تحت عنوان مؤسسه تأمین مال خرد وجود ندارد، بعضی بانک‌های که به امر تأمین مالی خرد و اعطای قرضه‌های کوچک مبادرت می‌ورزند فعالیتشان بسیار محدود است و به چند کلان‌شهر اختصاص دارد. قرضه‌های مذکور نیز در قالب قراردادهای ربوی اعطا گردیده بیشتر برای نیازهای مصرفی دریافت می‌شود. از آنجایی که ۷۱ درصد جمعیت افغانستان در روستاها زندگی می‌کنند و درآمد

سرانه در این کشور بسیار پایین است به گونه‌ای که تعدادی زیادی زیر خط فقر قرار دارند، تأمین مالی خرد در کاهش فقر و افزایش درآمد سرانه و توسعه اقتصادی کشور می‌تواند نقش اساسی داشته باشد.

تأمین مالی خرد

تأمین مالی خرد را می‌توان به‌عنوان سازوکار عرضه خدمات مالی گوناگون به گروه‌های با درآمد پایین، مانند صنعت گران، کشاورزان و پیمانکاران خرد تعریف کرد. این افراد معمولاً به دلیل اینکه دارای رتبه اعتباری پایین‌تری می‌باشند، مورد توجه بانک‌ها و سایر مؤسسات مالی متعارف قرار نمی‌گیرند. علاوه بر این، به دلیل بالا بودن هزینه نظارت و ارزیابی در زمینه ارائه وام‌های خرد، چالش وثیقه، احتمال بالای نکول که برای فقرا وجود دارد، بانک‌ها و مؤسسات مالی معمولاً از ارائه وام‌های خرد به افراد مذکور خودداری می‌کنند (کلیم و احمد ۲۰۰۹ ص ۳). تعاریفی دیگری نیز ارائه گردیده است که بعضی به انگیزه‌ها و اهداف و بعضی به شیوه و سازوکار این نوع تأمین مالی اشاره دارند. بومن به‌طور مختصر تأمین مالی خرد را؛ کوچک، کوتاه و بدون وثیقه تعریف می‌کند به این معنا که تأمین مالی خرد ارائه وام‌های با مبلغ کم، بدون وثیقه به افراد کم‌درآمد است که این افراد در مدت‌زمان کوتاهی مبلغ یادشده را بازپرداخت می‌کنند (فرزانه مافی ۱۳۸۸ ص ۱۳). بانک جهانی به اهداف این نوع تأمین مالی توجه دارد و هدف تأمین مالی خرد را کاهش فقر روستائیان، ایجاد اشتغال و پایداری زیست‌محیطی بیان می‌کند. در کل می‌توان گفت تأمین مالی خرد به وام‌های خرد قابل‌دسترس اشاره دارد که نیازهای و فعالیت‌های خود را با برنامه‌های مدون از طریق این نوع تأمین مالی برطرف می‌کنند. این نوع وام‌ها در سائزهای خرد و کم‌مقدار، برای کارآفرینان خرد و خانواده‌های کم‌درآمد، برای تولید درآمد، توسعه کسب‌وکار و سایر کاربردهای اجتماعی مانند تحصیل و بهداشت و ... و تحت شرایط آسان و انعطاف‌پذیر ارائه می‌گردد (عبدالرسول قاسمی ۱۳۹۰ ص ۱۸۴).

۱ تأمین مالی خرد متعارف

مؤسسات تأمین مالی خرد متعارف بر مبنای قرارداد قرض و از طریق پرداخت و دریافت بهره فعالیت می‌کند و از حیث جایگاه این نوع مؤسسات مالی بین بازار مالی رسمی (نظیر بانک‌ها و مؤسسات مالی و اعتباری) و بازار مالی غیررسمی قرار گرفته و لذا برخی ویژگی‌های هریک از این دو بازار را در خود جای داده‌اند. به‌عنوان نمونه نهادهای تأمین مالی خرد، نسبت به مؤسسات رسمی، دسترسی بیشتری به خدمات مالی برای گروه‌های پایین درآمدی ایجاد می‌کنند و از این جهت شبیه وام‌دهندگان غیررسمی هستند، اما از طرف دیگر هزینه کمتری نسبت به بازار غیررسمی داشته و بنابراین نرخ بهره کمتری طلب می‌نمایند، در واقع گرچه این نرخ بیشتر از نرخ بازار مالی رسمی است، ولی بسیار کمتر از بازار مالی غیررسمی است، ضمن اینکه در زمینه اخذ وثیقه نیز سازوکار مخصوص به خود دارند و برخلاف مؤسسات رسمی و بازار غیررسمی که از وام‌گیرندگان وثیقه دریافت می‌کنند، از سازوکار ضمانت گروهی، جهت تضمین بازپرداخت وام‌ها استفاده می‌کنند. در این نوع تأمین مالی تضمین گروهی جایگزین وثیقه می‌گردد زیرا تأمین وثیقه معمولاً برای فقرا مقدور نیست و به همین دلیل از دسترسی به منابع اعتباری رسمی محروم می‌شوند (طغیان، ۱۳۸۵، ص ۲۱۰).

ویژگی‌های تأمین مالی خرد متعارف

با توجه به مطالبی که بیان شد می‌توان نتیجه گرفت که تأمین مالی خرد دارای ویژگی‌های منحصر به فرد است که آن را از شیوه‌های دیگر تأمین مالی متمایز می‌کند.

۱) وام‌دهی گروهی: یکی از ارکان اصلی تأمین مالی خرد که از دلایل موفقیت آن بر شمرده می‌شود وام‌دهی گروهی است منظور از وام‌دهی گروهی آن است که در ساختار تأمین مالی خرد، افراد به انتخاب خود به گروه‌های مختلف دسته‌بندی شده وام‌دهی به این گروه‌ها انجام می‌شود. وام‌دهی به هریک از اعضای گروه مشروط به بازپرداخت وام دریافت شده توسط سایر

اعضا گردیده و از این طریق چالش وثیقه که یکی از معضلات اصلی فقرا در زمینه تأمین مالی است برطرف می‌گردد (طغیانی، ۱۳۸۵، ص ۲۱۵). به عبارت دیگر در سازوکار تأمین مالی خرد ضمانت گروهی جایگزین وثیقه فیزیکی گردیده و اعضای گروه به صورت دوطرفه ضمانت پرداخت وام یکدیگر را به عهده می‌گیرند؛ یعنی اعضای گروه به صورت زنجیره‌ای ضمانت پرداخت وام یکدیگر را به عهده می‌گیرند و اگر یکی از اعضای گروه از بازپرداخت وام خودداری کند تمام اعضاء مسئول هستند و ضمانت وام آن‌ها معلق می‌گردد (ابراهیمی و باغستانی، ۱۳۹۰، ص ۷۵).

۲) فشار درونی: منظور از فشار درونی آن است که در ساختار تأمین مالی خرد، ضوابط به نحوی تنظیم می‌گردد که اعضای گروه خودبه‌خود یکدیگر را به انجام بازپرداخت ترغیب کرده و در این زمینه به نیروی خارجی و بیرونی نیازی نیست. وجود ویژگی مذکور باعث می‌شود که تسهیلات تخصیص یافته به هدف موردنظر اصابت کند، علاوه بر این مسئولیت مشترکی که در اثر این دو ویژگی ایجاد می‌گردد باعث کاهش ریسک می‌شود، زیرا اولاً سبب خواهد شد که گروه اعضای بدحساب را در میان خود نپذیرند و این هزینه انتخاب ناصحیح در اعطای تسهیلات را کاهش می‌دهد. ثانیاً این شیوه انگیزه‌ای در میان اعضا ایجاد می‌کند تا مراقب باشند که عضو تسهیلات گیرنده، وام را به مصارف تعیین شده برساند تا بتواند آن را بازپرداخت کند. ثالثاً باعث می‌شود تا اعضای گروه، افرادی که وام خود را نپرداخته‌اند را تحت فشار قرار داده و حتی پرداخت بدهی آن‌ها را بر عهده گیرند که این موضوع نیز سبب حذف هزینه عدم بازپرداخت تسهیلات می‌گردد (طغیانی، ۱۳۸۵، ص ۲۱۵). از دیگر ویژگی‌های که می‌توان برای این وام‌ها ذکر کرد کوتاه‌مدت بودن آن‌ها است مدت وام‌های که در قالب تأمین مالی خرد پرداخت می‌شود کمتر از ۱۲ ماه با بازپرداخت هفتگی یا ماهانه است (ابراهیمی و باغستانی، ۱۳۹۰، ص ۷۵).

تجارب تأمین مالی خرد

برخی‌ها سابقه تأمین مالی خرد را به وام‌های کوچک که در ایرلند به فقرای روستایی پرداخت می‌گردید باز می‌گردانند (محمد طالبی و ساسان زارع، ۱۳۹۰، ص ۹۸)؛ اما امروزه تأمین مالی خرد به نوعی با نام محمد یونس و گرامین بانک گره خورده است، زیرا پیشینه تأمین مالی خرد برمی‌گردد به ابتکار او که برای اولین بار در سال ۱۹۷۶ با تأسیس گرامین بانک وام‌های کوچک را برای کسانی که از دسترسی به منابع مالی رسمی کشور دور مانده بود فراهم کرد (فرزانه مافی، ۱۳۸۸، ص ۱۳۷-۱۴۰). سازوکار گرامین بانک به این صورت است که وام برای فقرای که زمین‌های کشاورزی آن‌ها کمتر از نیم جریب و یا ارزش مجموع دارایی‌های آن‌ها کمتر از ارزش یک جریب زمین با کیفیت باشد پرداخت می‌گردد. وام به گروه‌های پنج نفره‌ای که از لحاظ زمینه‌های اجتماعی و اقتصادی مشابه هستند بدون وثیقه پرداخت می‌گردد. وام‌ها پس از تأیید گروه و تصویب نهایی بانک به اعضا پرداخت می‌شود. پرداخت وام به صورت مرحله‌ای است بدین ترتیب که چهار نفر از اعضای گروه به صورت گروه‌های دونفری وام خود را در ماه معینی دریافت می‌کنند و به نفر پنجم که معمولاً رئیس گروه است در ماه بعد پرداخت می‌شود. هر شش تا هشت گروه هفته‌ای یک‌بار با حضور نماینده بانک با یکدیگر ملاقات می‌نمایند و در مورد بازپرداخت‌ها و دیگر مشکلات گروه با همدیگر گفتگو می‌کنند (محمد یونس، ص ۲۶).

۲ تأمین مالی خرد اسلامی

تأمین مالی خرد متعارف همان‌طور که نقاط قوت فراوانی دارد نقاطی ضعف نیز دارد. یکی از چالش‌های عمده‌ای تأمین مالی خرد متعارف ربوی بودن آن است؛ با توجه به اینکه در تأمین مالی خرد متعارف تجهیز و تخصیص منابع با استفاده از قرارداد قرض صورت می‌گیرد و مبتنی بر بهره است لذا کارایی و تطبیق این نوع تأمین مالی در کشورهای که اکثریت جمعیت آن‌ها را

مسلمانان تشکیل می‌دهند با مشکل مواجه گردیده است. مشکلات دیگری تأمین مالی خرد متعارف نیز نرخ بهره بسیار بالا، عدم توجه به نوع فعالیت (تولیدی یا مصرفی) عدم توجه به پایین‌ترین گروه‌هایی درآمدی؛ به‌عنوان مثال در تأمین مالی خرد متعارف به فقیرترین فقرا که از عهده پرداخت اصل و سود وام بر نمی‌آیند وام پرداخت نمی‌گردد زیرا وام دادن به چنین افراد باعث می‌شود که هرچه بیشتر مدیون گردیده درآیند وضعشان بدتر شود (اعجاز احمدخان، ۱۳۹۲).

مشکلات فوق باعث گردیده که متفکرین اسلامی به طراحی تأمین مالی خرد اسلامی پردازند. عمده‌ترین ویژگی تأمین مالی خرد متعارف ربوی بودن آن است و این ویژگی باعث گردیده که آن مغایر با موازین و اصول اسلامی محسوب گردیده، تطبیق آن در کشورهای که اکثریت جمعیتشان را مسلمانان تشکیل می‌دهند موفقیت چندانی نداشته باشد؛ بنابراین در تأمین مالی خرد اسلامی در تجهیز و تخصیص منابع از ابزارها و عقود که در نظام مالی اسلامی معرفی گردیده است استفاده می‌شود بر این اساس در تأمین مالی خرد اسلامی بهره‌ای وجود ندارد و در عقود مشارکتی و مبادله‌ای نرخ سود جایگزین بهره می‌شود. با توجه به ویژگی‌های فوق تأمین مالی خرد اسلامی را می‌توان چنین تعریف کرد: عرضه وام نقدی و یا غیر نقدی به کارفرمایان فقیر بر اساس عقود اسلامی و در جهت اهداف اقتصاد اسلامی به‌منظور راه‌اندازی و یا حفظ فعالیت تجاری (حسین میسمی و همکاران، ۱۳۹۱).

شیوه‌های تجهیز منابع در تأمین مالی خرد اسلامی

همان‌گونه که قبلاً متذکر شدیم، تأمین مالی خرد متعارف، در بخش تجهیز منابع، منابع مالی خود را یا با پذیرش سپرده بر اساس قرارداد قرض و پرداخت بهره تأمین می‌کند و یا از منابع بیرونی (مثلاً کمک‌های دولتی یا بین‌المللی) استفاده می‌کند (Habib, 2002). در مقابل، مؤسسات تأمین مالی خرد اسلامی علاوه بر اینکه می‌تواند از عقود اسلامی (که می‌توان در سه

دسته کلی دسته‌بندی کرد عقود مشارکتی، عقود مبادله‌ای و عقد قرض الحسنه) در جذب سپرده استفاده کند، می‌تواند از نهادهای اقتصادی اسلام نظیر وقف، خمس، زکات، انفال و فیء و... نیز برای تأمین منابع مالی خویش بهره ببرند؛ بنابراین برخی منابع تجهیز درآمد برای مؤسسات تأمین مالی خرد اسلامی، منابع رایگان است که در قبال آن، تعهدی ندارند (مانند صدقات) اما برخی منابع انتفاعی است که باید به آن‌ها سود پردازند (مانند سپرده‌ها)؛ بنابراین با توجه به نهادهای که در نظام اقتصادی اسلام وجود دارد تأمین مالی خرد اسلامی از لحاظ توجه به پایین‌ترین گروه‌های درآمدی در موقعیت بهتری قرار می‌گیرد یعنی می‌تواند در برخی موارد که وام‌گیرنده توان پرداخت اصل و سود وام را نداشته باشد به صورت رایگان تأمین مالی کند (میسسی و همکاران، ۱۳۹۱).

شیوه‌های تخصیص منابع در تأمین مالی خرد اسلامی

تأمین مالی خرد متعارف در بخش تخصیص منابع نیز مبتنی بر بهره است؛ اما با توجه به حرمت ربا در اسلام مؤسسه تأمین مالی خرد اسلامی در بخش تخصیص منابع نیز از عقود و ابزارهای که در نظام مالی اسلام معرفی گردیده است استفاده می‌کند. عقود و ابزارهای که در نظام مالی اسلام معرفی گردیده و در بانکداری اسلامی به منظور ارائه تسهیلات مورد استفاده قرار می‌گیرد می‌توان به چهار گروه کلی دسته‌بندی کرد (موسویان، ۱۳۸۳، ص ۱۶۶-۱۷۵).

عقود مشارکتی: در این عقود مؤسسه مالی تمام یا بخشی از سرمایه مورد نیاز به منظور انجام فعالیت اقتصادی (تولیدی، تجاری و یا خدماتی) را تأمین مالی نموده و در نهایت و بر اساس قراردادی که با کارفرما منعقد کرده است، سود فعالیت تقسیم می‌گردد. این عقود در نظام بانکداری بدون ربا عبارت‌اند از: مشارکت مدنی، مشارکت حقوقی، مزارعه و مساقات.

عقود مبادله‌ای با بازدهی ثابت: در این دسته عقود مؤسسه تمام یا بخشی از سرمایه مورد نیاز به منظور انجام فعالیت اقتصادی و یا برطرف نمودن نیاز یک خانوار را تأمین می‌کند، با این

تفاوت که بعد از انعقاد قرارداد و قبل از انجام فعالیت اقتصادی سود مؤسسه معلوم و معین است بنابراین تحولات آتی اقتصاد و یا تغییرات ایجاد شده در طرح اقتصادی مورد نظر، ارتباطی به سود و مطالبات مؤسسه پیدا نمی‌کند. این عقود عبارت‌اند از: فروش مرابحه‌ای، فروش اقساطی، استصناع، خرید دین و اجاره به شرط تملیک.

عقود مبادله‌ای با بازدهی متغیر: در این عقود نیز مؤسسه بخشی از سرمایه مالی مورد نیاز برای انجام یک فعالیت اقتصادی و یا پول مورد نیاز یک خانوار را تأمین می‌کند. به مقتضای ماهیت این عقود، سود مؤسسه متغیر بوده و بستگی به تحولات اقتصادی و یا قیمت‌های نسبی در بازار واقعی دارد، حتی احتمال آن می‌رود که سودی برای مؤسسه رخ نداده، بلکه متحمل ضرر گردد. این عقود شامل دو مورد یعنی معاملات سلف و جعاله می‌گردد.

قرض الحسنه: در این عقد مؤسسه مالی منابعی که در اختیار دارد را بر اساس عقد قرض الحسنه در اختیار بنگاه تولیدی و خانوار نیازمند قرار داده و تنها به گرفتن کارمزد بانکی اکتفا می‌کند (میسمی و عبد‌الهی، ۱۳۲).

شیوه‌های تأمین مالی با استفاده از عقود و ابزارهای

اسلامی

انواع مختلف تأمین مالی مشارکتی

در بانک‌ها و مؤسسات تأمین مالی اسلامی تأمین مالی مشارکتی به شیوه‌های گوناگونی صورت می‌پذیرد.

مشارکت مدنی: در این قرارداد بانک یا مؤسسه تأمین مالی بخشی از سرمایه لازم برای انجام یک فعالیت اقتصادی را فراهم می‌کند و با درآمیختن آن با سرمایه متقاضی تأمین مالی، در سود و زیان آن فعالیت اقتصادی سهیم می‌گردد.

مشارکت حقوقی: در این قرارداد بانک یا مؤسسه تأمین مالی با خریدن بخشی از سهام یک شرکت جدید یا قدیمی در تأمین مالی شرکت مذکور مشارکت ورزیده و مالک بخشی از سهام آن شرکت می‌گردد.

مضاربه: در این قرارداد بانک یا مؤسسه تأمین مالی سرمایه مورد نیاز برای فعالیت‌های تجاری را در اختیار متقاضی (عامل مضاربه) قرار داده و بعد از بکارگیری وجوه مذکور در فعالیت‌های تجاری سودآور مؤسسه تأمین مالی و مشتری در سود و زیان حاصل از فعالیت مذکور به نسبت توافقی سهیم می‌گردند.

مزارعه: در این قرارداد بانک یا مؤسسه تأمین مالی سرمایه لازم برای انجام فعالیت کشاورزی را تأمین نموده و با کشاورز متقاضی تأمین مالی در فعالیت مورد نظر شریک می‌شود. مساقات: در این قرارداد بانک یا مؤسسه تأمین مالی سرمایه لازم برای انجام فعالیت باغداری را در اختیار باغدار قرار داده و با او در سود و زیان حاصل از عملیات باغداری سهیم می‌گردد (محمدجواد توکلی، ۱۳۹۲ ص ۳۰۴-۳۰۵).

انواع مختلف تأمین مالی مبادله‌ای

تأمین مالی مبادله‌ای با بازدهی ثابت

فروش مرابحه‌ای: بر مبنای این قرارداد بانک یا مؤسسه تأمین مالی اسلامی طبق درخواست مشتری کالای را خریداری نموده و با افزودن مبلغی به او به فروش می‌رساند.

فروش اقساطی: بر مبنای این قرارداد، بانک یا مؤسسه تأمین مالی اسلامی کالای درخواستی مشتری را خریداری نموده و به صورت مدت‌دار با قیمتی بیشتر به او به فروش می‌رساند.

اجاره به شرط تملیک: بر مبنای این قرارداد بانک یا مؤسسه تأمین مالی خانه درخواستی مشتری را خریداری نموده به مشتری اجاره می‌دهد و مشتری مورد نظر بعد از پرداخت مبالغ تعیین شده‌ای اجاره، مالک خانه مذکور می‌گردد.

استصناع: بر مبنای این قرارداد مشتری به بانک یا مؤسسه تأمین مالی سفارش ساخت کالایی را می‌دهد و بانک یا مؤسسه تأمین مالی با استفاده از پیمانکاران خود کالای موردنظر را می‌سازد و به قیمت مشخص شده به صورت نقد یا اقساط در اختیار مشتری قرار می‌دهد. خرید دین: بانک یا مؤسسه تأمین مالی طلب مشتری از دیگران را به قیمت کمتر خریداری می‌کند.

تأمین مالی مبادله‌ای با بازدهی متغیر

سلف: طبق این قرارداد بانک یا مؤسسه تأمین مالی کالای تولیدی یک کارخانه را پیش خرید نموده و بخشی از قیمت سلف آن یا تمام آن را که معمولاً کمتر از قیمت تحویل فوری است، به فروشنده می‌پردازد. در هنگام سررسید، بانک کالای خریداری شده را تحویل گرفته در بازار به فروش می‌رساند.

جعاله: بر مبنای این قرارداد بانک یا مؤسسه تأمین مالی طبق درخواست مشتری برای انجام کاری- مانند آجرنما کردن دیوار منزل- پیمانکاری را در خدمت می‌گیرد. پس از اتمام کار موردنظر بانک یا مؤسسه تأمین مالی مبلغ معین شده در قرارداد (جعل) را به صورت نقدی یا قسطی از مشتری دریافت می‌کند (همان ص ۲۳۶-۲۳۷).

در یک تقسیم‌بندی دیگر عقود و ابزارهای تأمین مالی اسلامی به عقود و ابزارهای انتفاعی و غیرانتفاعی تقسیم‌بندی می‌گردد. عقود و قراردادهای انتفاعی به قراردادهای اطلاق می‌گردد که تأمین مالی در قالب عقود مذکور با انگیزه کسب سود و تحصیل درآمد صورت می‌پذیرد؛ اما یکی از امتیازات تأمین مالی اسلامی وجود عقود و ابزارهای غیرانتفاعی در نظام مالی اسلام است. عقود و ابزارهای غیرانتفاعی قراردادهایی است که تأمین مالی در قالب عقود مذکور نه به انگیزه کسب سود و تحصیل درآمد بلکه به صورت تبرّعی و خیرخواهانه صورت می‌پذیرد. این قراردادها نیز به دو دسته معوضه و غیر معوضه تقسیم می‌شود. در قالب عقود معوضه مثل

قرض الحسنه بانک یا مؤسسه تأمین مالی می‌تواند وجوه موردنیاز متقاضی را تأمین کند به‌صورتی که متقاضی در پایان مدت قرارداد فقط ملزم به بازپرداخت اصل بدهی باشد و سود یا مبلغ زیادی درخواست نگیرد؛ اما در قراردادهای غیر معوضه نوع تبرّع محض صورت می‌گیرد مثل وقف و هبه. در وقف واقف اصل اموال خود را برای استفاده در یکی از امور خیریه وقف می‌کند. در هبه نیز مالک یک دارای اموال خود را بدون دریافت عوض به دیگری تملیک می‌کند (همان، ص ۱۸۰-۱۸۱).

نگاه کلی به اقتصاد افغانستان

افغانستان با نام رسمی جمهوری اسلامی افغانستان کشور محصور در خشکی در آسیای جنوبی قرار دارد. همسایگان افغانستان، ایران در غرب، پاکستان در جنوب و شرق، تاجیکستان و ازبکستان و ترکمنستان در شمال و چین در شمال شرقی قرار دارد. افغانستان دارای ۶۵۲۲۳۰ کیلومتر مربع مساحت و چهل و یکمین کشور وسیع دنیا است. در نشریات و اسناد ملل متحد مساحت این کشور ۶۴۷۴۹۷ کیلومتر مربع و قرار گزارش ۱۹۷۵، ۶۷۵۵۰۰ کیلومتر مربع آمده است. در کتاب افغانستان در پنج قرن اخیر ۶۵۰۰۰۰ کیلومتر مربع (میر محمد صدیق، ۱۳۷۱ ص ۴) و در کتاب افغانستان در مسیر تاریخ ۸۰۰۰۰۰۰ کیلومتر مربع آمده است (بصیر احمد دولت‌آبادی، ۱۳۷۱ ص ۱۶۵).

جمعیت

سرشماری جمعیت افغانستان از سال ۱۳۵۸ تاکنون دیگر صورت نگرفته است. آمارهای که از جمعیت افغانستان در دسترس قرار دارد بیشتر بر مبنای تخمین است. جمعیت افغانستان در سال ۱۳۹۹ حدود ۳۲/۹ میلیون نفر برآورد شده است که حدود ۱۶/۸ میلیون نفر (۵۱/۰ درصد) آن را مردان و حدود ۱۶/۱ میلیون نفر (۴۹/۰ درصد) آن را زنان تشکیل می‌دهد. از

۳۲/۹ میلیون نفر حدود ۲۳/۴ میلیون نفر (۷۱/۰ درصد) آن را جمعیت روستایی و ۸ میلیون نفر (۲۴/۴ درصد) آن را جمعیت شهری تشکیل می‌دهد^۱.

تولید ناخالص داخلی

ارزش تولید ناخالص داخلی به شمول کوکنار در سال ۱۳۹۷ بالغ به ۲۰/۵ میلیارد دلار آمریکایی گردیده (خبرگزاری جمهور، ۲۲ حوت ۱۳۹۷) و تولید ناخالص داخلی سرانه به ۴۶۷۹۵ افغانی که معادل ۶۴۷ دلار آمریکایی می‌شود، رسیده است. نرخ رشد تولید ناخالص داخلی حقیقی بدون کوکنار به اندازه ۲/۷ درصد بوده است. شاخص قیمت مواد مصرفی در سال ۱۳۹۷ حدود ۰/۶ درصد تورم را نشان می‌دهد.

واردات و صادرات

مجموع واردات در سال ۱۳۹۷ به ارزش ۷۴۰۶/۶ میلیون دلار و صادرات کشور ۸۷۵/۲ میلیون دلار بوده است. در سال ۱۳۹۶ واردات کشور، ۷۴۳۸/۹ میلیون دلار و صادرات ۷۷۴/۵ میلیون دلار بوده است. این ارقام نشان می‌دهد که واردات کشور در سال ۱۳۹۷ نسبت به سال گذشته ۳/۳ میلیون دلار و یا ۰/۴ درصد کاهش یافته در حالی که صادرات به اندازه ۷/۱۰۰ میلیون دلار و یا ۱۳ درصد افزایش یافته است^۲.

درآمد سرانه

درآمد سرانه افغانستان در سال ۲۰۱۰ حدود ۸۰۰ دلار بوده و در سال ۲۰۱۱ و ۲۰۱۲ به ۱۰۰۰ دلار افزایش یافته اما در سال ۲۰۱۹ از ۷۱۹ به ۶۴۷ دلار کاهش یافته که این به دلیل کاهش یک

^۱ بر آورد نفوس کشور ۱۳۹۹، اداره ملی احصائیه و معلومات افغانستان

^۲ سالنامه احصائیوی ۱۳۹۷، اداره ملی احصائیه و معلومات

میلیارد دلری درآمد ناخالص داخلی نسبت به سال‌های قبل از ۲۱ میلیارد به ۲۰ میلیارد بوده است (محمد توسلی غرjestانی، ۱۳۹۳، ص ۲۱۹).

نقش تأمین مالی خرد در توسعه روستایی

از آنجایی که ۷۱ درصد جمعیت افغانستان در روستاها زندگی می‌کنند می‌توان گفت بخش کشاورزی اهمیت زیادی در اقتصاد افغانستان دارد. اقتصاد کشورهای توسعه‌نیافته بیشتر تحت تسلط بخش کشاورزی و تولید محصولات غذایی در بخش روستایی قرار دارند. بخش بزرگی از محصولات غذایی در بخش کشاورزی در روستاها تولید می‌شود و زمانی که تولید بخش کشاورزی افزایش پیدا کند درآمد کشاورزان افزایش پیدا می‌کند. افزایش درآمد سرانه تقاضا برای محصولات کشاورزی را افزایش می‌دهد. مطالعات انجام شده نشان می‌دهد که کشت درآمدی تقاضا برای محصولات کشاورزی در این کشورها بسیار زیاد بین ۶۰ تا ۸۰ درصد است. همچنین افزایش در نرخ رشد جمعیت تقاضا برای محصولات کشاورزی را هرچه سریع‌تر افزایش می‌دهد. بر این اساس افزایش در تولید کشاورزی باید به نحوی باشد که بتواند با افزایش تقاضا مقابله کند. اگر افزایش در تولید محصولات کشاورزی کمتر از نرخ رشد تقاضا باشد قیمت محصولات کشاورزی افزایش یافته دولت مجبور است مقداری منابع ارزی را به واردات محصولات کشاورزی اختصاص دهد که این امر به معنی هدر رفتن مقدار منابع ارزی است، منابعی که می‌توانست صرف تأمین کالاهای سرمایه‌ای شود. از طرف دیگر محصولات کشاورزی تنها شامل محصولات غذایی نمی‌شود؛ بلکه بخشی از محصولات تولید شده در بخش کشاورزی مانند پنبه، چای، نیشکر، چغندر قند و غیره در بخش صنعت مورداستفاده قرار می‌گیرد. پس بخش کارورزی هم مواد غذایی موردنیاز کشور را تأمین می‌کند و هم مواد اولیه صنعتی لازم برای بخش صنعت را فراهم می‌کند. مهم‌تر اینکه افزایش قدرت خرید روستائیان از طریق افزایش بازدهی در بخش کشاورزی تقاضا برای محصولات صنعتی ساخته شده

در بخش صنعت را افزایش می‌دهد و سبب توسعه بخش صنعت می‌گردد. بین بخش صنعت و بخش کشاورزی ارتباط‌های پیشین و پسین وجود دارد یعنی توسعه هرکدام از این بخش‌ها در گرو توسعه بخش دیگر است ولی به صورت طبیعی توسعه باید از بخش کشاورزی شروع شود و سپس به بخش صنعت کشیده شود و در انتها بخش خدمات توسعه یابد (مرتضی قره‌باغیان، ۱۳۹۳، ص ۵۵۳-۵۵۵)؛ اما در افغانستان بعد از پیاده‌سازی سیستم اقتصاد بازار بخش خدمات مثل مخابرات، رسانه‌ها و مطبوعات، شبکه‌های رادیویی و تلویزیونی، دانشگاه‌های خصوصی، حمل‌ونقل و شرکت‌های هوایی گسترش قابل توجهی یافت ولی بخش کشاورزی در اثر جنگ و ناامنی و عدم حاکمیت دولت مرکزی نه تنها گسترش نیافت بلکه آسیب جدی دید و درصد زیادی از زمین‌های مرغوب و حاصلخیز به کشت کوکنار اختصاص پیدا کرد. در مناطقی که امنیت نسبی وجود داشت هم به دلیل تبعیض و بی‌عدالتی و عدم تخصیص بودجه به توسعه بخش کشاورزی، زیرساخت‌ها و راه‌های مواصلاتی بخش کشاورزی به شکل سنتی باقی ماند. بخش صنعت نیز آسیب فراوانی دید زیرا شیوه‌های تولید سنتی رایج در کشور توانای رقابت با کالاهای وارداتی خارجی را نداشت لذا بخش صنعت در طول چند سال نه تنها گسترش نیافت بلکه کوچک و کوچک‌تر گردید.

در دو دهه اخیر در بسیاری از کشورها تأمین مالی خرد راهکاری مناسب جهت مقابله با فقر روستائیان مطرح شده است و برخی از کشورها در این زمینه به موفقیت‌های چشمگیری دست یافته‌اند. اهمیت این دستاورد به گونه‌ای بوده که بانک جهانی سال ۲۰۰۵ را سال «اعتبارات خرد» نام‌گذاری و کشورهای در حال توسعه را در به‌کارگیری این شیوه اعتباری تشویق کرده است (دکتر بهاء‌الدین نجفی، وحید یعقوبی، ۱۳۸۴).

پرواضح است که تأمین مالی خرد در تأمین نیازهای اعتباری کشاورزان و همچنین گذار از کشاورزی سنتی و افزایش نرخ بازدهی در بخش کشاورزی نقش اساسی دارد که این امر

می‌تواند در توسعه بخش صنعت و توسعه اقتصاد کشور نقش اساسی داشته باشد. باید متذکر شد که در افغانستان بانکداری نقش پررنگی ندارد زیرا تعدادی کمی از مردم این کشور که به ۱۰ درصد هم نمی‌رسد حساب بانکی دارند آن‌ها نیز کارمندان و حقوق‌بگیران دولت یا شرکت‌های خصوصی و یا بازرگانان است دلیل این امر نیز ناامنی و عدم اعتماد مردم به بانک‌ها است زیرا بانک‌های افغانستان بیشتر به شکل ربوی فعالیت می‌کنند (توسلی غرجستانی، ۱۳۹۳، ص ۲۳۹). مؤسسه تأمین مالی خرد در افغانستان وجود ندارد ولی در بعضی شهرهای بزرگ بعضی بانک‌ها وام‌های خرد در قالب قراردادهای ربوی اعطا می‌کنند. این وام‌ها بیشتر از سوی قشر کم‌درآمد جامعه که غالباً در شهرها زندگی می‌کنند بیشتر برای نیازهای مصرفی دریافت می‌گردد. در کنار بانک‌ها و نهادهای رسمی تأمین پول و اعتبار، بخش غیررسمی نیز به شکل پررنگ فعالیت می‌کند که در اکثر مناطق بخش غیررسمی حضور پررنگ‌تر دارد. البته باید متذکر شد که بانک‌ها و نهادهای رسمی تأمین پول و اعتبار بیشتر در شهرها فعالیت می‌کنند و در روستاها حضور ندارند.

بنابراین مؤسسه تأمین مالی خرد اسلامی که در قالب عقود و قراردادهای اسلامی تأمین مالی می‌کند می‌تواند از سوی مردم مورد استقبال قرار بگیرد و در کشور افغانستان که اکثریت جمعیت آن زیر خط فقر قرار دارد نقش بسیار اساسی و راهگشا داشته باشد؛ زیرا می‌تواند در رفع فقر و گرسنگی، ایجاد اشتغال و بهبود سطح زندگی مردم کمک کند. از آنجایی که اکثریت جمعیت افغانستان در روستاها زندگی می‌کنند ایجاد چنین مؤسسه‌ای می‌تواند از طریق تأمین اعتبار موردنیاز کشاورزان باعث افزایش بازدهی بخش کشاورزی و افزایش درآمد کشاورزان از یک طرف و از طرف دیگر در صورت خودکفایی در محصولات کشاورزی می‌تواند صرفه جوی ارزی را در پی داشته باشد. با افزایش درآمد، درصد زیادی مردم که در روستاها زندگی می‌کنند تقاضا برای کالاهای صنعتی افزایش پیدا می‌کند و زمینه توسعه بخش صنعت فراهم

می‌شود. همچنین در صورتی جایگزینی شیوه‌های سنتی با شیوه‌های مدرن و افزایش بازدهی در بخش کشاورزی تعدادی زیادی نیروی کار از بخش کشاورزی به بخش صنعت منتقل می‌گردد. همچنین با افزایش محصولات کشاورزی برای عده‌ای زیاد در بخش کالاهای واسطه‌ای و حمل نقل اشتغال ایجاد می‌شود (مرتضی قره‌باغیان، ۱۳۹۳، ص ۵۵۵). با توجه به اینکه روستاهای افغانستان از زمین‌های مرغوب و منابع آبی فراوان برخوردارند که از منابع آبی فوق‌الذکر به‌جز کشاورزی برای مقاصد دیگر مثل ایجاد سد تولید برق یا پرورش ماهی می‌توان استفاده کرد. چنانچه در برخی مناطق روستایی سراسیمی زیاد و جریان آب تند است که برای تولید برق مناسب است. علاوه بر آن به دلیل اینکه منطقه سردسیر است برای ایجاد سد و پرورش ماهی خوب است. با توجه به اینکه در مناطق روستایی کشاورزی و دامداری به شکل بسیار محدود و سنتی صورت می‌گیرد می‌توان با آموزش شیوه‌ها مدرن دامداری و کشاورزی تغییرات اساسی در بازدهی بخش کشاورزی و درآمد سرانه روستائیان ایجاد کرد. به اعتقاد بنده افزایش بازدهی در بخش کشاورزی و درآمد سرانه روستائیان از طریق ایجاد مؤسسه تأمین مالی خرد و تأمین نیازهای اعتباری سرمایه‌ای کشاورزان و همچنین آموزش مهارت‌های شغلی و شیوه‌های نوین کشاورزی و دام‌داری امکان‌پذیر است. پیشنهاد بنده این است که یک نهادی وجود داشته باشد که مهارت‌های شغلی و شیوه‌های نوین کشاورزی و دامداری را به روستائیان آموزش بدهد. از طرف دیگر نهاد مالی یا مؤسسه تأمین مالی خرد نیز شکل بگیرد تا طرح‌های اقتصادی که توسط روستائیان ارائه می‌گردد در قالب عقود و ابزارهای اسلامی تأمین مالی کند

نتیجه‌گیری

سازوکار تأمین مالی خرد جهت پاسخ‌گویی به نیازهای مالی افراد فقیر و کم‌درآمد که به مؤسسات مالی و اعتباری دسترسی ندارند طراحی شده است. در قالب این سازوکار وام‌های کوچک با سررسید کوتاه‌مدت بدون وثیقه به افراد کم‌درآمد و فقیر اعطا می‌گردد. در سازوکار

فوق ضمانت گروهی جایگزین وثیقه فیزیکی گردیده است. در تأمین مالی خرد متعارف در بخش تجهیز و تخصیص منابع از عقود ربوی استفاده می‌شود اما در تأمین مالی خرد اسلامی در بخش تجهیز منابع می‌توان از سازوکار سپرده‌پذیری در قالب عقود اسلامی یا از نهادهای مالی اسلام مثل خمس، زکات اوقاف و غیره استفاده کرد. همچنین در بخش تخصیص منابع می‌توان از عقود و ابزارهای اسلامی استفاده کرد. از آنجایی که در کشور افغانستان ۷۱ درصد جمعیت در روستاها زندگی می‌کنند و درآمد سرانه بسیار پایین است به‌گونه‌ای که تعدادی زیادی افراد جامعه زیر خط فقر قرار دارند تأمین مالی خرد در این کشور در کاهش فقر، افزایش درآمد سرانه و بهبود سطح زندگی می‌تواند نقش مؤثر و سازنده داشته باشد. اقتصاد کشورهای مثل افغانستان تحت تسلط اقتصاد روستایی و محصولات غذایی قرار دارد؛ زیرا در این کشورها اکثریت جمعیت در روستاها زندگی می‌کنند و به علت شیوه سنتی کشاورزی، بازدهی کشاورزی پایین و درآمد سرانه روستائیان اندک است. از طرف دیگر افزایش روزافزون جمعیت تقاضا برای محصولات غذایی را افزایش می‌دهد، به علت بازدهی پایین کشاورزی دولت‌ها برای جلوگیری از افزایش سرسام‌آور قیمت‌ها مجبورند مقداری زیادی منابع ارزی را صرف واردات کالاهای مصرفی کنند. منابعی که می‌توانست صرف واردات کالاهای سرمایه‌ای شود و به تمرکز سرمایه و توسعه اقتصاد کشور کمک کند.

تأمین مالی نیازهای سرمایه‌ای کشاورزان و ارتقای مهارت‌های شغلی آنان از طریق آموزش مهارت‌های شغلی و شیوه‌های نوین کشاورزی و دامداری می‌تواند بازدهی کشاورزی را افزایش دهد. افزایش بازدهی کشاورزی از یک طرف به خودکفایی در بخش محصولات غذایی انجامیده از خروج ارز جلوگیری می‌کند از طرف دیگر سبب افزایش درآمد سرانه کشاورزان گردید و تقاضا برای محصولات صنعتی را افزایش می‌دهد که به توسعه بخش صنعت

می‌انجامد. البته به اعتقاد بنده تأمین مالی خرد در بخش کشاورزی در صورتی می‌تواند راهگشا باشد که با آموزش مهارت‌های و شیوه‌های نوین کشاورزی و دامداری همراه باشد.

کتاب‌نامه

۱. ابراهیمی سجاد، باغستانی مسعود، *مقایسه بانک تجاری و نهاد قرض‌الحسنه در حوزه تأمین مالی خرد*، مجله اقتصادی، شماره ۱۱، بهمن ۱۳۹۰
۲. احمد اعجاز خان، عبیدالله محمدخان، طریق الله، *تأمین مالی خرد اسلامی*، ترجمه سید محمدرضا نورانی، چاپ اول تهران، پژوهشکده پولی و بانکی، ۱۳۹۲
۳. ترکمنی عبدالرؤوف، *تطور مردم هزاره افغانستان*، سایت turkmani aiaye
۴. توکلی محمدجواد، *سازوکار بانکداری اسلامی*، چ ۱۳۹۲
۵. دولت‌آبادی، بصیر احمد، *شناسنامه افغانستان*، قم، چاپخانه شهید، ۱۳۷۱ ص ۱۶۵
۶. طالبی محمد و زارع ساسان، *ارائه الگوی بومی برای تأمین مالی خرد در ایران با مطالعه تطبیقی گرامین بانک بنگلادش و طرح‌های تأمین مالی خرد روستایی اجراشده*، مطالعات کمی در مدیریت، سال دوم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۰، ص ۹۸
۷. طغیانی، مهدی، ۱۳۸۵ *تأمین مالی خرد در ایران و راه‌های توسعه آن با رویکردی اسلامی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشکده اقتصاد و معارف اسلامی، دانشگاه امام صادق
۸. عبدالهی محسن و میسمی حسین، *تأمین مالی خرد اسلامی و نقش آن در تقویت عدالت و رضایت اجتماعی در نظام بانکی کشور*، تازه‌های اقتصاد، سال نهم، شماره ۱۳۲

۹. غرjestانی محمد توسلی، *الگوی بانکداری اسلامی برای افغانستان بر مبنای فقه جعفری و حنفی*، ج ۱۳۹۳
۱۰. فرهنگ، میر محمد صدیق، *افغانستان در پنج قرن اخیر*، قم مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، ج ۱، ۱۳۷۱ ص ۴
۱۱. قاسمی عبدالرسول و همکاران، *ارزیابی تحلیلی و تجربی تأثیر تأمین مالی خرد بر درآمد مصرف خانوار*، مجله تحقیقات اقتصادی، شماره ۹۶، پاییز ۱۳۹۰ ص ۱۸۴.
۱۲. قره‌باغیان مرتضی، *اقتصاد رشد و توسعه*، ج ۲، ج ۱۳۹۳
۱۳. مافی، فرزانه؛ *توانمندسازی اقتصاد زنان روستایی از طریق اعتبارات خرد*، پژوهشنامه شماره ۴۲، پاییز ۱۳۸۸
۱۴. محمد یونس، *جهان بدون فقر*، ترجمه هنگامه احمدی و دیگران، بی‌جا، پرتو، بی‌تا.
۱۵. موسویان سید عباس، *بانکداری اسلامی*، تهران پژوهشکده پولی و بانکی ۱۳۸۳
۱۶. مهاجرانی مصطفی، *بررسی وضع اعتبارات خرد در ایران و برخی از کشورهای موفق در این زمینه*، مؤسسه همیاران غذا، نسخه الکترونیکی، ۱۳۸۲
۱۷. میثمی حسین، حسن‌زاده علی، شهیدی نصب مصطفی، *رویکرد مرحله‌ای برای استفاده از عقود مشارکتی در تأمین مالی خرد اسلامی*، اندیشه مدیریت راهبردی، سال ششم، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۱، شماره پیاپی ۱۲، صص ۳۳-۶۲
۱۸. نجفی بهاء‌الدین، یعقوبی وحید، *تأمین مالی خرد: راهکاری نوین برای کاهش فقر در جوامع روستایی*، *اقتصاد کشاورزی و توسعه*، سال سیزدهم، شماره ۴۹، بهار ۱۳۸۴

۱۹. یزدانی حسین علی، پژوهشی در تاریخ هزاره‌ها، ج ۱۳۹۰

20. Based MicroFinance–Waqf .(۲۰۰۹)Ahmed, Habib.
21. Realizing The Social Role of Islamic Finance. Paper
22. *Integrating* ,presented in the International Seminar on
23. .Awqaf in the Islamic Financial Sector, Singapore
24. The Quran and .(۲۰۰۹)Kaleem, A. & Ahmed, S.
25. Alleviation: A Theoretical Model for Charity Poverty
26. *Nonprofit and* .Based Islamic Microfinance Institutions
27. ۱۵-۴ ,۹Voluntary Sector Quarterly,
28. www.worldbank.org
29. Habib, A. (2002), “Financing microenterprises: An analytical study of Islamic
30. microfinance institutions”, *Islamic Economic Studies*, Vol. 9, No. 2, Pp. 27-